

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

رساله دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایپروس های فارسی میانه ساسانی دوره‌ی خسرو دوم در مصر

تجزیه و تحلیل، حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه

استاد راهنما:
دکتر سیروس نصراله‌زاده

استادان مشاور:
دکتر حمیدرضا دلوند
دکتر آرمان بختیاری

پژوهشگر:
فریبا ناصری کوهبنانی

مهر ماه ۱۳۹۵

بر خود بایسته می‌دانم پاس بدارم کوشش و یاری گرامیانی را چون:

آقای دکتر سیروس نصراله‌زاده استاد راهنمایم، او که نیک‌خواهانه، از آغازین گام همراهی‌ام کرد؛ کارم را ارزیابی و نکته به نکته کاستی‌هایم را گوشزد کرد و شکیبایی بسیار نشان داد، آقایان دکتر دالوند و دکتر بختیاری که با بیان نکاتی ارزنده یاری‌ام کردند و دیگر استادان گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که نزدشان بسیار آموختم. نیز دوست گرامی‌ام دیوید اسکات که در کار ترجمه‌ی متن‌های آلمانی یاری فراوان رساند.

همچنین خود را تا آن زمان که زنده‌ام، وامدار پشتیبان هم‌راهی زندگی‌ام، مادر مهربانم می‌دانم که نفس‌هایش امیدبخش طی طریقم بوده و هست.

۱- پیش‌گفتار

دوره‌ی ساسانی، دوره‌ی چهارصد و بیست ساله‌ای (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) از فراز و نشیب‌های فراوان سیاسی و ادبی است که از طریق نوشته‌های مختلف می‌توان بخش‌های برجسته و چشمگیر آن را تفحص و بررسی کرد. در عرصه‌ی سیاسی، برخی ادوار، دربردارنده‌ی نقاط عطفی درخور توجه هستند، یعنی اتفاقات و تحولاتی که باعث اعتلای نام برخی از فرمانروایان و شاهان ساسانی گشته است. علاوه بر اقدامات داخلی متفاوت قابل بررسی، تحولات خارجی مانند لشکرکشی‌ها هم باعث تغییرات گسترده‌ای در کشور شد. تصرف سرزمین‌های تازه، منابعی مختلف از ثروت، مواد غذایی، مواد اولیه، نیروی کار جدید و البته برخی ابعاد فرهنگی را با خود همراه داشت و این مواجهه و بعداً همزیستی با شیوه‌ی زندگی و اداره‌ی یک سرزمین دیگر، در درجه‌ی اول، مستلزم تدارکات مختلفی چون سازماندهی متناسب اداری و نظامی بود. در زمان خسرو دوم و با فتح مصر، که بیشتر شامل کناره‌های نیل و مناطق راهبردی و ثروتمند مصر بود، نهادهایی که بایستی در اداره‌ی این مناطق عهده دار امور می‌شدند، تنها نهادهای نظامی نبودند، نهادهای اداری دیگر هم برای تدارکات عوامل تابع ایران و راهبری و هماهنگی آنها مشغول فعالیت شدند که نام برخی از آنها را می‌توان در پاپیروس‌ها دید و شناخت. پاپیروس‌ها تا حدودی، دایره‌ی فعالیت‌های آنان و حوزه‌های تحت تصرف ایران و همین‌طور تأثیر و نفوذ آیینی ایران در این مناطق را می‌شناساند. تأمین منابع این عوامل و نیز برقراری امنیت هم دو نکته‌ی بسیار مهم مطمحنظر حکومت ساسانی بود که نحوه‌ی دستیابی بدان، از پاپیروس‌هایی که به انتقال کالا، آذوقه و مواجب عوامل ایرانی می‌پردازد و یا گزارش فعالیت افراد تحت فرمان، قابل تحقیق است. این پاپیروس‌ها نه تنها از این ابعاد بلکه به عنوان نماینده‌ی بخشی از ادبیات ساسانی بررسی می‌شوند.

آثار مکتوب دوره‌ی ساسانی به بخش‌های متفاوتی تقسیم می‌شود. سفال‌نوشته، مهرنوشته، گورنوشته‌ها و کتیبه‌ها و البته متن‌های کتابی. از ابتدا تا انتهای این دوره، انواع مختلفی از خط را دستکم با نام آنها از طریق متن‌های همین دوره و یا آثار اسلامی می‌توان بازشناخت. از این نوشته‌ها چنین برمی‌آید که برای نوشتن برخی از انواع متن‌ها، گونه‌های خاصی از خط فارسی میانه در نظر گرفته شده بود؛ برای مثال خطی که کتیبه‌های ساسانی نخستین بدان نگاشته می‌شد، از خط نگارش متن‌های کتابی متفاوت است. در این دوره برای نگارش اوستا خطی ابداع شد که از زبور فارسی میانه و الفبای فارسی میانه اقتباس می‌شد، اما خود این گونه‌های خطی فارسی میانه از ابتدا تا انتهای این دوره بر یک شیوه و شکل باقی‌نماندند و تفاوت یافتند. شاید این احتمال درست باشد که آخرین صورت تحول‌یافته‌ی خط در این دوره، تا حدی صورت کاربردی زبان روزمره‌ی آن زمان را نشان می‌دهد که این گونه در پاپیروس‌های فارسی میانه‌ی دوره‌ی ده ساله‌ی ارتش خسرو دوم در مصر دیده می‌شود. در کار حاضر، نویسنده سر آن دارد که با معرفی نمونه‌هایی از پاپیروس‌های فارسی میانه‌ی ساسانی سده‌ی هفتم در مصر، پرتویی هرچند کم‌سو بر الگوهای نوشتاری این دوره که عمدتاً اداری و کاربردی هستند بیندازد. البته این بدان معنا نیست که نوشته‌ها تنها اداری هستند. از طریق نامه-

های خصوصی در مصر می‌توان دریافت که ارتباطاتی چون ارتباط بازرگانی، فرهنگی - دینی هم بر اثر تردد یا مهاجرت افراد یا خانواده‌های ایرانی به مصر شکل گرفته است. نمونه‌ی این نامه‌ها اندک هستند اما برای اثبات ارتباطات دوسویه کافی به نظر می‌رسند. این پاپيروس‌ها غالباً کوتاه و ناقص هستند و روش نگارشی مختصرنویسی و استفاده از اختصارات را به کار گرفته‌اند. مضافاً آسیب‌هایی که در طول زمان بدانها وارد شده، بخش‌هایی از نوشته‌ها را از میان برده و دریافت مفهوم متن و یا واژه‌ها و عبارات را سخت یا ناممکن ساخته است که گاه درک را موقوف به حدس و استفسار می‌کند و یا کلاً نامفهوم بر جای می‌گذارد. در این کار، ادبیات و شیوه‌ی نگارش پاپيروس‌های خسرو دوم با دیگر انواع نوشته‌ها به ویژه متن‌های کتابی، به صورت فشرده و کوتاه قیاس می‌شوند. ادبیات و نوع نوشتاری که این شیوه از آن حادث شده، به عنوان الگو و زمینه‌ای برای نوشتاری که پس از آن به وجود می‌آید و نیز زیربنای ثبت و کتابت دیوانی اوایل دوره‌ی اسلامی قرار می‌گیرد. در ضمن بررسی کلی زبان، بررسی مضمون پاپيروس‌ها و دسته‌بندی آنها، حرف و آوانوشت واژه‌ها، و مطالعه‌ی ترجمه‌ی این نوشته‌ها تغییراتی که در ابعاد نویسه‌ای مانند شکل حرف، اختصارنویسی و استفاده از آواهایی با منشأ متفاوت و یا کاربرد واژه‌هایی متناسب شده با عرصه‌ی جدید ادبی نسبت به ادبیات موجود در ایران ساسانی ایجاد شده، به نظر خواهد رسید. همچنین بستر فرهنگی جدید، مفاهیم متفاوتی را وارد این نوع ادبیات می‌کند که بدانها مختصراً اشاره خواهد شد. با وجود تفاوت‌هایی که این پاپيروس‌ها، نسبت به متن‌های موجود دیگر یافته، باز برای تکمیل بررسی و مطالعه، نیاز به قیاس با آن دارد، به ویژه که متن‌های کتابی در تفهیم بسیاری واژه‌ها، توانسته بسیار مؤثر واقع شود، چرا که نهایتاً خط به کار رفته در این پاپيروس‌ها، که به خط تحریری شکسته مشهور است، چیزی کاملاً منفک از خط معمول متصل به کار رفته در نوشته‌های سده‌ی سوم به این سوی ساسانی نیست. برای فهم برخی مفاهیم و اسامی و القاب نیز قطعاً بررسی مواردی چون کتیبه‌ها، سکه و مهرها ضروری است. به ویژه که بسیاری از همین پاپيروس‌ها، مهر و گل‌مشته‌های الصاقی به همراه دارند که خود به دریافت‌هایی مفید مانند نحوه‌ی استفاده از مهر، شیوه‌ی رسمیت و یا اعتباربخشی به اسناد در این زمان کمک می‌کند. همین طور، می‌توان با اسم افراد صاحب مقام یا صاحب مهر، دیوان و نهادهای اداری هم آشنا شد. اینها در کنار مضمون منضم بدانها کمکی بدون واسطه برای تصویرسازی تشکیلات اداری ساسانی، دستکم در حوزه‌ی سیاست‌های خارجی این دوره است. اساس این کار، بر مطالعات و اثر دیتر وبر¹ است که بدان اشاره خواهد شد. این رساله در چند بخش شامل، پیشگفتار، مقدمه، چهار فصل اصلی و پیوست‌ها که پس از این بخش، به شرح زیر است:

¹ - Dieter Weber

۱-۱- مقدمه و کلیات

دربردارنده‌ی چکیده و مقدمه‌ای است که تعاریفی کلی از موضوع و پیش زمینه‌ای از کاری که در فصل-های بعد می‌آید ارائه می‌دهد. این بخش حول دو محور اصلی یعنی تعریف ادبیات پاپیروسی و ماهیت تصرف مصر مختصراً زمینه‌ای به دست می‌دهد.

فصل یکم به بحث و شناخت زمینه‌ی تاریخی نوشتن پاپیروس‌ها در مصر، در دوره‌ی ده‌ساله‌ی شاهنشاهی خسرو دوم، پرداخته می‌شود. برای بررسی مفهوم، کاربرد و دلیل نگارش این پاپیروس‌ها، شناخت بستر تاریخی و سیاسی که این ادبیات در آن پدید آمده است، ضروری است.

فصل دوم شامل معرفی ادبیات کلی ساسانی و نیز انواع پاپیروس‌ها، مجموعه‌های موجود پاپیروس‌ها در موزه‌ها و تاریخچه‌ای از خوانش این نامه‌ها است. شناخت محل‌های نگهداری این مجموعه‌ها برای پیگیری این بخش مهم از میراث ادبی لازم است در عین این که دانستن دسته‌بندی پاپیروس‌ها به ویژه بر اساس مضمون، کاربری نوع ادبی در حیطه‌ی فعالیت‌های مختلف را نشان می‌دهد.

فصل سوم به حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه چهل و پنج پاپیروس فارسی میانه در مصر، به ویژه ارایه‌ی نمونه‌هایی از انواعی که در فصل سوم بدانها اشاره شده می‌پردازد. در این بخش همچنین تحلیل متن و توضیحاتی راجع به واژه‌ها و عبارات و نوع خوانش خواهد آمد. همچنین برای مقایسه و درک بهتر، نمونه‌هایی از پاپیروس‌های متفاوت از لحاظ زمان و ناحیه‌ی نگارش آورده می‌شود که مربوط به پاپیروس‌های اواخر دوره‌ی ساسانی و یا اوایل دوره‌ی اسلامی هستند. در پایان این بخش، بحث، تفسیر و نتیجه‌گیری قرار دارد که ثابت می‌کند مدارک و نامه‌هایی که در دوره‌ی ده‌ساله چیرگی ایران بر مصر نوشته می‌شد، با نوع ادبی خاص خود و رسم‌النخطی شکسته برای بازشناخت تحول نظام نوشتاری متأثر از کشورداری ساسانی منبعی قابل اعتماد است. در پایان، این رساله نحوه‌ی تحول و قالب‌یابی جدید خط در اصناف و پیشه‌ها در دوره‌ی ساسانی با تأثیرگیری از فرهنگ و ادبیات مؤثر سابق خود را از رویکرد این ادبیات خاص روشن می‌سازد.

فصل چهارم، واژه‌نامه است که در آن، واژه‌نامه‌ی پاپیروس‌های آمده در این رساله به همراه آوا و حرف-نوشت و معنی خود بر اساس کار مکنزی ارائه شده و در صورت نبود واژه در متن‌های کتابی، یا کار مکنزی، از ارجاعات اصلی دیگر چون کارهای وبر و یا کارهای مشابه در این زمینه که در برابر واژه ارجاع آن آمده، داده شده است. پس از آن هم نام شهرهای قید شده در این پاپیروس‌ها آن طور که نگارنده در توضیحات وبر یافته و یا به قیاس به آنها خود آنها را نگاشته، آمده است.

پیوست‌ها: در این بخش علایم و شکل نویسه‌های به کار رفته در پاپیروس‌ها آمده‌اند.

۲-۱- مسأله پژوهش

در زمان ساسانیان در سال‌های ۶۱۹-۶۲۸ میلادی معاصر با بخشی از دوران پادشاهی خسرو پرویز (خسرو دوم: ۵۹۰-۶۲۸ میلادی) با عقب راندن رومیان، ایران توانست به مصر دست یابد. منابع تحقیق این دوره، یونانی، عربی و منابع فارسی میانه است که بیشترشان را پوست نوشته‌ها و پاپيروس‌های برجمانده حاصل از عملکرد فرماندهان نظامی و دیگر کارکنان تابع ایران در مصر تشکیل می‌دهد. بیشتر این پاپيروس‌ها در مصر یافت شده‌اند و اکنون در مجموعه‌هایی در نقاط گوناگون جهان نگهداری می‌شوند که هنوز بسیاری از آنها معرفی، خوانده و یا بررسی نشده‌اند و مضامین آنها عمدتاً فهرست منابع، نام اشخاص، درجات و نهادهای نظامی بوده است. آشنایی با نمونه‌هایی چند از انواع این نوشته‌ها از مجموعه‌های مختلف، نظیر مجموعه برلین، وین، هایدلبرگ، گوتینگن، فیلادلفیا، و دیگر مجموعه‌ها می‌تواند پژوهشگران را با رویکردی تازه نسبت به ادبیات و نگارش زنده و در جریان ساسانی در قرن هفتم میلادی آشنا سازد و در کنار آن زوایایی از مسایل تاریخی این دوره و راهبردهای آنان را در مسایل فرامرزی و تحت فرمان آنان آشکار سازد. اضافه بر این که تاکنون در حیطه‌ی مطالعات ایران باستان در ایران و به زبان فارسی به این پاپيروس‌ها توجه لازم نشده است.

۳-۱- موضوع پژوهش

پاپيروس‌های فارسی میانه‌ی ساسانی در مصر که در زمان تسلط بر مصر در زمان خسرو دوم نگاشته شد، با حرف‌نوشت، آوانوشت و توضیحات هر پاپيروس و بررسی کلی ادبیات و خط به کار رفته در آنها.

۴-۱- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: مناطقی از مصر چون فیوم و به ویژه مناطق و شهرهای کناره‌ی نیل که در این پاپيروس‌ها نام آورده شده‌اند. برخی از آنها از طریق منابع دیگر شناخته شده و برخی هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند.

ب) قلمرو زمانی: مابین سال‌های ۶۱۸-۶۲۸ میلادی، دوره‌ای ده ساله که بخش‌هایی از مصر تحت تسلط ایران بود مدنظر است، هر چند برای دستیابی به اطلاع بیشتر از نوشته‌های مشابه و نزدیک به این زمان، توضیحات و نمونه‌هایی دیگر آورده شده است.

ج) قلمرو موضوعی: پاپيروس‌های فارسی میانه‌ی ساسانی یافت شده در مصر. اینها در مرکز بررسی قرار دارند اما پاپيروس‌های دیگری از مناطق دیگر و خارج از زمان خسرو دوم چون نمونه‌ای از طبرستان و یا نمونه پاپيروس اقتصادی بعد از خسرو دوم هم ارایه شده است.

۵-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

رمزگشایی و خوانش پاپيروس‌های قرن هفتم، دیدی کلی از ماهیت و گونه‌ی ادبیات روزمره مانند آیین نامه‌نگاری ساسانی و وضعیت کلی دوره خسرو دوم را به عنوان بخشی از وضعیت اواخر دوران ساسانی

فارو می‌نهد. بررسی مضمون این نوشته‌ها، بخشی از تحولات و تغییرات زبانی و خطی طول این دوره را با مقایسه با نوشته‌های دیگر، به ویژه متن‌های کتابی به نمایش می‌گذارد.

۱-۶- اهداف پژوهش

مطالعه‌ی این پاپیروس‌ها راهی است برای آگاهی از آیین نامه‌نویسی، به ویژه نامه‌های اداری و رسمی. ویژگی‌هایی چون کوتاه و موجز نوشتن، تغییر برخی نویسه‌ها یا آواها در این نامه‌ها به چشم می‌خورد. صرف و نحو کاربردی، تحولات خطی و زبانی نسبت به الگوی به‌کاررفته در متون کتابی و نیز اصطلاحات خاص هر موضوع در این دوره از موارد قابل توجه دیگر است. این نوشته‌ها، اطلاعاتی راجع به سیاست‌های خارجی ساسانیان، نظام اداری آنها در مناطق تحت سلطه و خارج از ایران و نحوه‌ی تعامل با اتباع غیرایرانی ارایه می‌دهد و مجموعاً می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعات زبان‌شناختی، تاریخی، به ویژه شناخت مقامات و مناصب این دوره، و بعد فرهنگی و مردم‌شناسی فراهم سازد.

۱-۷- کاربردهای پژوهش

این پژوهش می‌تواند پایه‌گذار تحقیقات علمی و عملی بیشتر در زمینه مطالعات پاپیروس‌های ایرانی، چه آنها که به زبان‌های ایرانی، مانند بلخی و فارسی میانه نوشته شده‌اند و چه آنها که به خط و زبان‌های دیگر نوشته شده اما در حیطه‌ی فرمانروایی ایران بوده‌اند، باشد، مانند پاپیروس‌های آرامی هخامنشی، به ویژه پاپیروس‌های فارسی میانه‌ی دوره‌ی ساسانی و پس‌ساسانی.

۱-۸- نوع پژوهش

از نوع بنیادی است.

۱-۹- سؤالات پژوهش

۱. پاپیروس‌های فارسی میانه‌ی دوره‌ی خسرو دوم در مصر، متضمن چه نکاتی هستند؟
۲. تحول رسم‌الخط فارسی میانه از متون کتابی ساسانی تا این پاپیروس‌ها به چه شکل بوده است؟
۳. شیوه‌ی کتابت و آیین نامه‌نویسی در این دوره چگونه بوده است؟

۱-۱۰- فرضیه‌های پژوهش

۱. این پاپیروس‌ها دارای مضامین مختلفی هستند شامل مضامین اقتصادی، نظامی، شخصی و حقوقی و گذرنامه‌ها که در رده‌های مختلف نگاشته شده‌اند، برخی خطاب به مقامات هستند، برای مثال گزارش‌های رسمی کارکنان و یا مجوز برای صدور گذرنامه و یا تقسیم جیره سربازان و اجیران و دیگر عوامل. گاه این نامه‌ها فاقد رسمیت خاص و تنها برای دادن اطلاعاتی شخصی و یا احوال‌پرسی هستند.
۲. در متون فارسی میانه کتابی، خط استفاده شده، خطی کلاسیک است اما در پاپیروس‌ها خط به سمت صورت تحریری و شکسته پیش می‌رود که عمدتاً با قلم‌هایی درشت نوشته می‌شود، نوشته‌ها صورت‌های

خلاصه‌تری را نشان می‌دهد اما ویژگی‌های مشترکی چون شکل برخی نویسه‌ها، هزوارش و شبه هزوارش در هر دو هویدا است.

۳. پاپیروس‌های فارسی میانه را در این مقطع و نوع نمی‌توان دقیقاً نمایانگر همان ادبیات رایجی که در متون مزدیسنانی وجود داشت، قلمداد کرد. این نوع کاربرد مسلماً ادبیات خاص خود را می‌طلبیده است. یکی از نکات بسیار مهم و تأثیرگذار در ایجاد این تفاوت‌ها بازه زمانی‌ای است که هر یک از این‌ها در آن نوشته شده است، حدود زمانی پاپیروس‌هایی که در این جا بررسی می‌شوند به زمانی حدود ده سال محدود است اما درباره متون کتابی چنین نیست. این متون در بازه‌ی زمانی‌ای طولانی چون سده بحث می‌شوند. بنابراین دور از انتظار نیست که هم از وجه نمایش عصر خود ابهام داشته باشند و هم از آن‌جا که مرتباً بازنویسی شده‌اند، و این که در کجا و به تبع کدام ویژگی‌های زبانی و مکتبی نوشته شده‌اند، نوعی پارادوکس را بنمایانند. در مقابل، پاپیروس‌ها، با وجود متنی چون رساله نامه‌نگاری که می‌کوشد تا الگو و قالبی را بر این نوع کاربرد القاء کند شامل ساختاری سه بخشی دارای نوع خاص آغاز متن همراه با تکریم و احترام به گیرنده نامه، متن اصلی و مؤخره‌ای قاعده‌مند هستند، اما دیگر پیکره‌ی اصلی نامه دارای قالب سبک زده متون کتابی و شامل تکرار مضامین مقدس و موروثی در آن حد تفصیل، نیست و نشان از فعالیت‌هایی به‌روز و واقعی دارد.

۱-۱۱- تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

ساسانی، خسرو دوم، پاپیروس، فارسی میانه ساسانی، خط تحریری شکسته، مصر.

ابتدا لازم است شمه‌ای از فرایند یافت و شناخت پاپيروس و نحوه‌ی آغازیدن این مطالعات بیان شود و سپس درباره‌ی آنچه که به پاپيروس‌های ساسانی در مصر مربوط است، توضیح داده شود. آغاز آشنایی با پاپيروس در مفهوم کلی احتمالاً از سال ۱۷۵۲ میلادی بوده است، یعنی سالی که نخست بار پاپيروس در هرکولانیوم^۱ در جنوب ایتالیا کشف شد،^۲ اما به علت علاقه‌ی صرف به نوشته‌های کلاسیک و شناخته‌شده‌ی ادبی یونان باستان، توجهی به این پاپيروس‌ها نشد. در حدود سال ۱۷۸۸ مطالعات پاپيروس‌شناسی به طور واقعی آغاز شد، یعنی زمانی که تعداد زیادی از پاپيروس‌ها را دهقانانی از فیوم مصر، در صد کیلومتری جنوب غربی قاهره، به طور تصادفی هنگام کشاورزی یافتند. در همان سال محقق دانمارکی به نام نیلز ایورسن^۳ پاپيروسی یونانی را انتشار داد که حاوی رسیدهایی مبنی بر کار انجام شده روی سدهای آبیاری در منطقه‌ی فیوم، مربوط به ۱۹۳ سال پیش از میلاد بود. بسیاری از این پاپيروس‌ها در قاهره فروخته شد و بقیه سر از پاریس، برلین و وین درآوردند. در طول چند دهه‌ی بعدی، حفاری‌هایی در مناطق مختلف مصر انجام شد. در سال ۱۸۷۷ در محل ارسینه‌ی^۴ باستانی، سرزمینی در خارج شهر فیوم، اسنادی کشف شد و به زودی در این منطقه و دیگر نواحی فیوم هزاران متن یونانی، قبطی و عربی به دست آمد. علاوه بر این در اکسیرینخوس،^۵ هرموپولیس،^۶ آفرودیتو،^۷ تبس غربی، سی‌ینه،^۸ الفانتین و دیگر نواحی مصر علیا و وسطا، یافته‌های ارزشمندی به دست آمد. اکثر این متون بر روی پاپيروس و بخشی هم بر پوست، پارچه، چوب، استخوان، چرم و تکه سفال‌های شکسته، و برخی از اسناد متأخرتر نیز بر کاغذ نوشته شده بودند. در کاوش‌های محل اکسیرینخوس باستانی هم، مهم‌ترین افراد شاید برنارد گرنفل و آرتور هانت^۹ بودند که هزاران فقره از مستندات و پاپيروس‌های ادبی، به ویژه نوشته‌های مرتبط با ادبیات یونانی را کشف کردند. بسیاری از آنها به آکسفورد رفت، تعداد کمی هم در مؤسسات بریتانیا و آمریکای شمالی پراکنده شدند. در حدود همان زمان، در مزایده‌ی غیر رسمی آلمانی‌ها،^{۱۰} پاپيروس‌های مصری فراوانی را که در اروپا بود، به بالاترین قیمت به فروش گذاشتند که در بین آنها پاپيروس‌هایی که از محل کاوش‌های گرنفل و هانت هم دزدیده شده بود، وجود داشت

^۱ - Herculaneum

^۲ - این شهر در سده‌ی نخست پیش از میلاد، در طی نبرد، به تصرف رومیان در آمد و شهری رومی گشت.

^۳ - Niels Iversen Schow

^۴ - Arsinoe

^۵ - Oxyrhynchus

^۶ - Hermopolis

^۷ - Aphrodito

^۸ - Syene

^۹ - Bernard Grenfell و Arthur Hunt

^{۱۰} - Papyrus cartel

(کینان ۲۰۱۱: ۶۶). مجموعاً چنین خریدهایی به همراه حفاری و اکتشافات در مصر موجودی مجموعه‌های پاپيروس را به وجود آورد. از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۹۲ میلادی را قرن پاپيروس شناسی می‌خوانند.

برای درک بهتر موضوع پاپيروس‌های فارسی میانه ساسانی در مصر، اشاره به ارتباط این دو کشور در سه دوره‌ی مختلف تاریخی لازم به نظر می‌رسد. به ویژه مطرح شدن وجه اهمیت برخی از مناطقی که حضور ایرانیان در آنها پررنگ‌تر است و در نتیجه دستیابی به منابع و اسناد تاریخی را تا میزانی، آسان‌تر می‌سازد. بی‌شک این نقاط، دارای اهمیت راهبردی و یا دارای منابع مورد نیاز ایرانیان به ویژه در کشاکش رقابت‌های طولانی مدت با دولت‌های غربی چون یونان و بعدها روم بوده‌اند.

۲-۱- هخامنشیان و مصر:

حضور سپاه ایران در مصر تاریخی پرفراز و نشیب دارد. مصر در زمان هخامنشیان، در طی چند دوره، تحت حاکمیت ایران بوده است. البته این حاکمیت غالباً فراگیر و پایدار نبوده است و همواره مقاومت و جنبش‌هایی را به همراه داشته که حتا گاه با خشونت و سخت‌گیری سرکوب شده است. با این وجود، سند یا نامه‌ای از این دوره، به زبان فارسی باستان و یا زبان دیگر ایرانی در خود مصر به دست نیامده است؛ هر چند که ایرانیان به طور فعال در بابل مشغول کسب‌وکار و تعامل با بومیان بودند. اسناد خاندان سلطنتی در ایران بعضی به عیلامی و بعضی هم به زبان آرامی نوشته شده‌اند.^{۱۱} مقدمات و تمهیدات لشکرکشی به مصر در زمان کوروش فراهم شد. ولی در دوران سلطنت پسرش، کمبوجیه (۵۲۲-۵۳۰ پیش از میلاد)، این امر به انجام رسید. ارتش وی، پسامتیک سوم را در شرق رود نیل در سال ۵۲۶/۵۲۵ پیش از میلاد شکست داد و نخستین حکومت هخامنشیان بر مصر آغاز شد. مصر، ششمین ساتراپی پادشاهی هخامنشی شد و پیرو سنت مصر، کمبوجیه، لقب فراعنه را یافت؛ گویا این که پیروزی ایران نسبی بود و ماندن کمبوجیه در مصر دیری نپایید. وی در لشکرکشی برای تصرف نواحی دیگر آفریقا، هزیمت یافت. او به نوبیا هم لشکر کشید. زمانی که در آنجا بود، در سال ۵۲۳-۵۲۴ پیش از میلاد مصر، با شورش روبه‌رو گشت، به ممفیس بازگشت و با شدت آن را سرکوب کرد. همان‌زمان، در خیابش، در ایران بر او شوریدند. وی در مسیر برگشت به ایران، در سوریه و در سال ۵۲۲ پیش از میلاد وفات یافت (دیاکونوف ۱۳۸۲: ۹۱-۹۲؛ نیز نک. برسیانی ۱۹۹۸: ۲۴۷؛ داندامایف ۱۹۹۰: ۱۷-۲۶)

^{۱۱} - به وجود جمعی ۱۱۷ اثر ایرانی و هخامنشی به خط مصری (هیروگلیف) و دموتیک، خط دیوانی و اداری مصریان قدیم بر روی سنگ، لوح، مهر، مهره و ظروف سنگی و فلزی می‌توان اشاره کرد (سامی ۱۳۴۱: ۱۸۰).

^{۱۲} - القاب کمبوجیه اینها بودند: پادشاه مصر علیا و سفلا و از نسل رع، هوروس و اوزیرس و حتا وی به گونه‌ای فرزند شهذخت نیتیرس، دختر فرعون آپریس منتسب شد (داندامایف ۱۹۹۰: ۱۷۲).

سال ۵۱۹ پیش از میلاد، در دوران پادشاهی داریوش یکم (۵۲۲-۴۸۶ پیش از میلاد) نیز مصر فتح شد. بر اساس پاپیروس‌هایی که به زبان آرامی و برخی زبان‌های محلی بر جای مانده، او قانونی عمومی را در مصر وضع کرد، از او به عنوان ششمین قانونگذار مصر نیز یاد می‌شود که قوانینش توسط ساتراپ اعمال می‌شد. او بر خلاف کمبوجیه، در مصر، چهره‌ی پذیرفتنی‌تری داشت. از رسیدگی و بازسازی اماکن عمومی و مقدس در مصر در زمان وی گزارش‌هایی وجود دارد. کارهای هنری ایرانیان و هدایایی که شاه بزرگ به بزرگان مصری داده بود، نیز آرامگاه‌های خاص ایرانی، که احتمالاً متعلق به مقام‌هایی چون ساتراپ مصر بوده، از آثار حضور ایرانیان دوره‌ی هخامنشی در مصر است. پس از مدتی، مصریان شوریدند و در همین هنگام، در سال ۴۸۶ پیش از میلاد، داریوش درگذشت (دیاکونوف ۱۳۸۲: ۱۰۰-۱۰۵؛ گیرشمن ۱۳۸۰: ۱۴۷). درباره‌ی ساتراپ‌هایی که در مصر بودند و نحوه‌ی دقیق عملکردشان گزارش دقیقی در دست نیست، مگر مواردی که باید با احتیاط ذکر شوند، مثلاً ساتراپ دوره‌ی داریوش در مصر به نام اریاندس که با وجود خدمات ارزنده‌ای که نشان داد، در نهایت به خشم داریوش گرفتار آمد و کشته شد.^{۱*}

زمان برتخت‌نشینی خشیارشا، مصر در شورش و ناآرامی بود. در سال ۴۸۴ پیش از میلاد خشیارشا، با شدتی تمام مصر را آرام کرد و برادرش، هخامنش را ساتراپ آنجا کرد. پس از خشیارشا، مصر دگرباره با خیزش روبه‌رو شد، این بار پسر فرمانروای معدوم، پسامتیک، که در زمان کمبوجیه شوریده و کشته شده بود، و یونانیان حمایتش می‌کردند، هخامنش، ساتراپ مصر را کشت. حتا سرکوبی این شورش‌ها و انتصاب ساتراپ جدید هم مصر را کاملاً آرام نکرد، چرا که پس از قتل پسر پسامتیک، خصی‌آمیرتی نامی برخاست و در دلتای نیل برای خود در برابر هخامنشیان ایجاد قدرتی نمود. کشور مصر در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد از قلمرو حکومت هخامنشیان بیرون شد. در آغاز قرن چهارم پیش از میلاد، فرعون مصر، با جدیت هر چه تمام‌تر همراه اسپارت‌ها با ایرانیان جنگید و مصریان در نواحی‌ای چون پادشاهی کوچک اوآگور (در قبرس فعلی) و قبایلی از آسیای صغیر، نیروهایی را برای رودرویی با ایران به کار انداختند. مدتی پس از استقلال مصر، اردشیر سوم، به فرماندهی قشون پدرش، با این کشور جنگید و برای مدتی کوتاه (۳۴۳ تا ۳۳۲ پیش از میلاد) سلطه‌ی ایرانیان را در آنجا باز مستقر ساخت. درباره‌ی اهمیت و یا چگونگی این چیرگی‌ها، نظرات متنوع هستند. گاه برخی، این سلطه را ابتدای دومین تسلط ایران بر مصر می‌خوانند. مشخص نیست پس از اردشیر سوم چه کسی ساتراپ مصر بوده است اما در زمان داریوش سوم (۳۳۶-۳۳۱ پیش از میلاد) ساباکس نامی ذکر شده که وارد نبرد و کشته شده است. در سال ۳۳۲ پیش از میلاد نیز مزاکس،^۳ ساتراپ ایرانی مصر، بدون نبرد مصر را به اسکندر پیشکش کرد و سلطه‌ی ایران بر مصر به پایان رسید (برسیانی ۱۹۹۸: ۲۴۷-۲۴۹؛ فرای ۱۳۸۰: ۱۹۲ و ۲۱۵؛ گیرشمن ۱۳۸۰: ۱۵۶ و ۲۱۷؛ دیاکونوف ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۲۴).

ایالات تابع ایران ناگزیر از اخذ مالیات از اهالی و ارسال آن به صورت نقره به دربار بودند. میزان این مالیات، بسته به میزان حاصلخیزی و درآمدزایی برای هر ایالت متفاوت بود. بیشتر این پرداخت از نواحی آسیای صغیر، بابل، سوریه، فینیقیه و مصر بود.

۲-۱-۱- اسناد مربوط به هخامنشیان در مصر

اسناد مصری و آرامی از سازمان‌های نظامی ایران و استقرار پادگان‌ها و مستعمرات نظامی در مصر دوره‌ی هخامنشی در درون و مرزهای مصر، اطلاعات مفیدی را ارائه می‌کنند؛ از میان اسناد مختلف به‌جامانده از مصر دوره‌ی هخامنشی که به خط هیروگلیفی جدید و بر روی پاپیروس نوشته شده، پاپیروس‌های [دانشگاه] ریلند شامل تعدادی اسناد دوره‌های مختلف است، که یکی از آنها مربوط به اوایل دوره هخامنشی، و مربوط به تصرف غیر قانونی اموال توسط روحانی‌ای است. این مجموعه، دیدگاهی از نظام حقوقی مصر را پیش رو می‌نهد. ارتباطات روحانیان محلی با فرداته، ساتراپ مصر در زمان داریوش یکم، اطلاعاتی را مربوط به نظام اداری این کشور فراهم می‌کند. دیگر اسناد مشابه، به خط هیروگلیفی جدید، شامل اجاره‌ی زمین و دام، فروش برده، استخدام نیروی کار و مانند آن هستند. نیز حدود دویست سند آرامی از مصر شناخته شده که شامل قرارداد ازدواج، سفته، اجاره زمین، و دیگر اسناد کسب و کار هستند. برخی نیز حاوی اطلاعاتی در مورد سیاست‌های اداری ایرانیان در مصر است. همه-ی این متن‌ها بر روی پاپیروس نوشته شده‌اند. سیزده نامه به عنوان قدیمی‌ترین نمونه از مکاتبات آرامی در مصر، به صورت چرم‌نوشته از ارشامه، شاهزاده هخامنشی به دست آمده است. ارشامه شاهزاده‌ی هخامنشی بود که از به تخت نشستن داریوش دوم در برابر خشیارشای دوم جانبداری کرد (۴۲۴-۲۳ پیش از میلاد) و حداقل تا سال ۴۰۶ یا ۴۰۵ پیش از میلاد ساتراپ مصر بود (برسیانی ۱۹۸۶: ۵۴۶).^۴ این نوشته‌ها، در نیمه‌ی دوم سده‌ی پنجم پیش از میلاد، یعنی احتمالاً سال‌های ۴۱۱-۴۰۸ نگاشته شده و حاوی دستورالعمل برای مدیریت املاک اشراف ایرانی در مصر است (جعفری ۱۳۹۱: ۱۷). همچنین از کتیبه‌های هخامنشی که در مصر نوشته شده‌اند، آثاری برجای مانده است، مانند کتیبه‌ی سوئز (DZ) و مجسمه‌ی داریوش (DSab) و نیز ظرف‌هایی که حاوی نوشته‌های کوتاه مصری است (لوکوک ۱۳۸۲: ۵۵). همین‌طور می‌توان به اسناد مهاجرنشین نظامی یهودیان الفانتین (جزیره‌ای در نیل مقابل اسوان) در جنوب مصر که به نمایندگی از شاهان ایران عمل می‌کردند، اشاره کرد. در سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۰۷ از حفاری‌های باستان‌شناسی در سقاره نزدیک ممفیس، حدود ۷۰۰ کیلومتری شمال الفانتین، بایگانی مهمی از پاپیروس‌های این مهاجران به خط آرامی پیدا شد که از نحوه‌ی زندگی در اقامتگاه‌های آنان و برخی اطلاعات جغرافیایی خاص برداشتی به دست می‌دهد؛ در این بایگانی رونوشتی از متن بیستون به زبان آرامی، نیز ترجمه‌ای از متون داستانی اکدی و چندی آثار دیگر مانند داستانی مصری که به آرامی نوشته شده به دست آمده است. این اسناد بر دو طرف

^۴ - این تاریخ‌ها در منابع مختلف، اختلافاتی اندک دارند.

اوراق پاپيروس نگاشته شده و درحواشی آنها یادداشت‌های اداری این دوره قید شده است و شامل ۲۰۲ قطعه پاپيروس مربوط به قانون، مالیات، و اقتصاد هستند. تشخیص تاریخ آنها دشوار است اما می‌توان گفت بنا بر همان قواعد مشخص دوره‌ی هخامنشی نگاشته شده‌اند. پاپيروس‌های زبان آرامی الفانتین در مجموعه‌ی بروکلین در سال ۱۸۹۳ خریداری شده و مربوط به گردآوری مجموعه‌ی بزرگ زاخائو هستند (گزلا ۲۰۱۵: ۱۸۷؛ دومناش ۱۹۸۵: ۱۶۴).

۲-۱-۲- اهمیت تاریخی الفانتین

الفانتین نامی یونانی برای نام محلی ایبو به معنی فیل و بزرگ‌ترین جزیره در رود نیل، در مقابل سی‌ینه (= مصری باستان: SWN به معنی «بازار»، اسوان امروزی) است. این جزیره همیشه مرکز اداری بخش جنوبی مصر بوده، نیز اولین پست مرزی و نظارتی اصلی در مسیر به نوبیا بود، اما در زمان تسلط هخامنشیان ایجاد پادگان نظامی به اهمیت آن افزوده است. سی‌ینه با داشتن عبادتگاه‌هایی کوچک، بندری برای تماس بین عناصر قومی مختلف شاهنشاهی نظیر ایرانیان، فینیقی‌ها، مادها، آشوری‌ها، خوارزمیان، بابلی‌ها و دیگران بود که برای عبادت خدایان خود گرد می‌آمدند و نیز مرکز اداری فرماندار غیر نظامی هخامنشی یا فترکه‌ها بود. در زمان تسلط هخامنشیان یک مستعمره نظامی یهودی دارای عبادتگاه (آرامی: *haila yhwda*) در الفانتین تأسیس شد. پاپيروس‌هایی که بدانها اشاره شد و اسنادی به صورت سفال‌نوشته که قدیم‌ترین آنها به سال ۴۹۵ پیش از میلاد برمی‌گردد و دارای شناسه (AP 1) است، مربوط به همین دژ هستند. این منابع نشان می‌دهند که یهودیان از پادگان نظامی حقوق ماهانه دریافت می‌کردند که یا به صورت نقدی و یا به صورت کالا (مانند غلات و روغن) بوده است.

در طول دوره‌ی بین تخریب معبد اورشلیم یعنی سال ۵۸۶ پیش از میلاد و بازسازی آن پس از فرمان کوروش در ۵۳۸ پیش از میلاد، مهاجران الفانتین حق ادای اعمال فرقه‌ای را در معبد خود که قانونی ساخته شده بود، مسلم می‌دانستند؛ اما بر اساس نوشته‌های دو سند (AP 30 و AP 3)، عبادتگاه الفانتین در جریان فتح کمبوجیه در سال ۵۲۵ پیش از میلاد، تصرف و حدود سال ۴۱۰ به طور کامل تخریب شد، به طوری که کاوش‌های باستان‌شناسی تا کنون اثری از آن به دست نیاورده است. غارتگران مصری، با پشتیبانی فرماندار ایرانی ویدرنگه (*Vidranga*) و پسرش، فرمانده پادگان سی‌ینه، همه چیز را به غارت بردند، در حالی که ارشامه ساتراپ، در شوش بود (میان سال‌های ۴۰۸-۴۱۱ پیش از میلاد). از علل احتمالی مختلف برای درگیری بین مصریان و یهودیان، مجاورت اقامتگاه یهودیان با منطقه معبد خونوم و نفوذ مقامات مذهبی اورشلیم بود، که می‌خواستند معبد بدعت‌گذار در الفانتین را نابود کنند. پس از این زمان، این جماعت یهودی تنها مجاز به بخور دادن و نذورات در محراب بودند. اگر چه هیچ اثر معماری

باقی نمانده است، از متون می‌توان خصوصیات معماری آن را که دارای پنج رواق سنگی بوده است تا حدودی دانست و از وجود اشیاء طلا و نقره در آن اطلاع یافت.

شناخت منشأ این مستعمره‌ی یهودی مشکل است، اما احتمال دارد که بخشی از مهاجرت این یهودیان در مقیاس بزرگ به مصر در سلسله بیست و ششم تحت فرمان نکو آغاز شده باشد. در طول دوره‌ی اسکان بخشی یهودیان در دوره‌ی هخامنشی، شمار اینان در سراسر دره چند برابر شد. قطعاً یهودیان الفانتین از عقاید توحیدی سنتی خود فاصله گرفته بودند. آنها به معبد یاهو (Yaho) در جزیره احترام می‌گذاشتند؛ به دلیل معاشرت و یا وصلت با مصریان، آنها اعتقادات و آداب و رسوم قبل از تبعید خود را تغییر داده بودند و ظاهراً از اصلاحات جدید در دین خود ناآگاه بودند. برخی مهاجران یهودی در مصر، یهودیه را قبل از اصلاحات دینی ترک کرده بودند و برخی هم احتمالاً پس از حکم اجازه‌ی بازسازی معبد اورشلیم از سوی کوروش به مصر آمده بودند. دلیل این که در آغاز قرن پنجم پیش از میلاد، برخی از مهاجران یهودی تنها به زبان آرامی سخن می‌گفته و می‌نوشت‌اند، می‌تواند همین امر باشد.

آخرین سند آرامی موجود بازمانده از مستعمره‌های یهودی در الفانتین به زمانی پس از پایان اولین تسلط ایران بر مصر برمی‌گردد. آن نامه‌ای است که در سال ۳۹۰ پیش از میلاد، در سال اول حکومت نفریتی (سلسله‌ی بیست و نهم) از ممفیس به الفانتین فرستاده شد. اسناد یادشده‌ی آرامی الفانتین نه تنها آگاهی‌بخش نحوه‌ی زندگی، جامعه و قوانین مستعمره‌ی نظامی یهودی است، که شرایط آن موقع مصر را که خود در آن ایفای نقش می‌نمود و همچنین روابطش با مقامات ایرانی در مصر را هم نشان می‌دهد. دیگر هیچ مستعمره‌ی یهودی پایداری مانند الفانتین تا دوره‌ی بطلمیوسی ایجاد نشد تا این که در سال ۱۵۴ پیش از میلاد پناهندگان اونیاس (= نام یونانی / رومی برای دلتای نیل) اجازه یافتند معبد جدیدی در قلمرو هلیوپولیس (= شهر خورشید؛ در تل یهودیه فعلی) احداث کنند، که آن هم در سال ۷۱ میلادی تخریب شد (برسیانی ۱۹۹۸: ۳۱۰-۳۶۲؛ برای اطلاع بیشتر از الفانتین در دوره‌ی هخامنشی نک. جویستن پروشکه، ۲۰۰۸).

۲-۲- دوره‌ی مابین هخامنشیان و ساسانیان در مصر

۲-۲-۱- دوره‌ی سلوکی

ظهور سلسله سلوکی در سوریه (۳۱۲ پیش از میلاد) تا دوره‌ی تصرف مصر از سوی ساسانیان (۶۱۸ / ۱۹-۶۲۸ میلادی)، دوره‌ی کم‌رنگ و یا حتا محو حضور جدی ایرانیان در مصر رقم می‌خورد. در سال ۳۳۳ پیش از میلاد،

اسکندر ایرانیان را در آسیای کوچک شکست داد و راه او به سوی نیل باز شد. به این نحو، با ورود اسکندر به آسیای صغیر، سوریه و فینیقیه، چنان که گفته شد، مزاکس، نتوانست مقاومت جدی‌ای نشان دهد و در سال ۳۳۲ پیش از میلاد، مصر را وا گذاشت. بعد از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پیش از میلاد، این فرمانروایی گسترده میان فرماندهان سپاه اسکندر تقسیم شد و مصر به دست فرمانده ارشد، بطلمیوس افتاد و در سال ۱۶۸ پیش از میلاد هم توسط آنتیوخوس چهارم اشغال شد. ممکن است برخی از ایرانیان و یهودیان ساکن مصر دوره‌ی بطلمیوس، که در اسناد از آنها یاد شده است، از نیروهای مانده از دوره‌ی هخامنشیان باشند و یا مرتبط با افراد غیر نظامی آنها. پسر اسکندر که حاصل ازدواج با رکسانای ایرانی بود، و برادر ناتنی وی فیلیپ سوم، ارخیدوس، پس از مرگ اسکندر در ۳۲۳ پیش از میلاد قدرت را مشترکاً در دست گرفتند. ساتراپی مصر بخشی از امپراتوری و زیر نظر مقدونیان بطلمیوسی باقی ماند. حذف خانواده‌ی اسکندر در ۳۱۲ پیش از میلاد و تجزیه‌ی امپراتوری، راه را برای ایجاد دولت هلنی جداگانه-ای باز گذاشت؛ بطلمیوس در ۳۰۵ پیش از میلاد عنوان «شاه» گرفت. چند مرتبه در جنگ‌های سوریه، در طول قرن دوم و سوم پیش از میلاد، بطالسه شکست خوردند، با این حال، گاهی اوقات هم توان حمله به قلمرو سلوکی و حتی نفوذ به میان‌رودان و ایران را نیز یافتند. در قرن یکم پیش از میلاد همکاری میان زمامداران روم به رهبری مارک آنتونی و کلئوپاترا ملکه بطلمیوسی به اوج خود رسید تا پسرشان الکساندر هلیوس را به عنوان حاکم ارمنستان، ماد، و سرزمین‌های اشکانی به قدرت برسانند. اما طرح آنها به شکست رسید. درگیری با سلوکیان فرصتی منحصر به فرد برای همکاری بطالسه و روحانیان مصر شد. بر اساس متن‌هایی که در باب پیروزی بطلمیوسی‌ان نوشته شده، در میان غنایمی که در این دوره، به مصر بازگردانده شد، مجسمه و اشیاء مقدسی که پیش از آن ایرانیان با خود برده بودند، نیز دیده می‌شد. خصومت ایرانیان نسبت به مصری‌ها موضوعی تکراری در ادبیات بطلمیوسی مصر است. با این حال، بر خلاف برخی که معتقد هستند تأثیر ایران در زمینه‌ی هنر متنفی است، نظری دیگر بر ابقای تأثیرات ایرانیان در مصر است و تأثیر سنت هخامنشی به ویژه در هنر بطلمیوسی متقدم را محسوس می‌داند.

فروپاشی قدرت ایرانیان در مصر البته به مفهوم امحاء کامل آنها نبود. بنا به شرایط موجود، برخی از آنها در مصر ماندند. تعیین نسبت این ایرانیان که در گذار از حکومت هخامنشیان به هلنی و یا پس از فتح اسکندر در مصر به جا ماندند، بسیار مشکل است، با این که از گروهی از آنان در پاپیروس‌های یونانی-رومی یاد شده است. از دوره‌ی اول بطلمیوسی مصر، پاپیروس بسیار نادر است. تا پایان قرن دوم پیش از میلاد واژه‌ی پارسی نشانگر یک موقعیت اجتماعی یا رابطه‌ی خاص با ارتش بطلمیوسی بود تا اشاره به قومیت. در قرن دوم بسیاری از مردم که قطعاً یونانیان و مصریان بومی هم بودند به عنوان پارسی دسته‌بندی می‌شدند. این عنوان اشاره به فرزندان این شبه‌پارسیان دارد و احتمالاً تصور می‌شده که اینان نیز به تبعیت از پدران‌شان در ارتش بطلمیوسی خدمت کنند. همسران و دختران این افراد پارسی‌نمیده می‌شدند، اگر چه آنها به جامعه‌ی یونانی یا مصری تعلق داشتند. در اواخر قرن دوم پیش از

میلاد، پارسی معنای نو و کاملاً رسمی‌ای یافت و به دسته‌ای از اجیران نظامی اطلاق شد و این روال تا پایان قرن دوم میلادی هم ادامه داشت. در آن زمان این اصطلاح دیگر از رواج افتاد و دیگر پارسی در معنای نقش نظامی به کار نرفت (هاینن ۱۹۹۸: ۲۵۰-۲۵۲؛ نیز نک. بیکرمان ۱۳۸۷: ۱۰۲).

۲-۲-۲- اشکانیان و مصر

درباره‌ی اشکانیان جز آگاهی‌ای ناچیز درباب کشورگشایی این دودمان و نگاهش به منابع ارضی خارجی، خاصه آنچه در نظر ماست، یعنی مصر، نمی‌توان داد. این حکومت در بدو قدرت‌گیری با چالش‌های گسترده‌ای چون سلوکیان و رومیان روبه‌رو بود. در کنار اینها، سرکشی قبایل و دودمان‌ها و امرای محلی، موانعی جدی برای تحقق نظرات آرمان‌گرایانه‌ی آنان در جهت کشورگشایی و فراخ نمودن مناطق تحت سیطره بودند، تا آن حد که این حکومت به مصر نرسید و در این حدود از غرب، تنها می‌توان به آثاری از حضور آنان، در سوریه و میان‌رودان اشاره نمود. در این باره گاه تنها گمانه‌هایی مبنی بر چنین مقصدی هست، زمانی که در حدود سال ۴۰ پیش از میلاد، یکی از فرماندهان ارد، پس از موفقیت در رویارویی با رومیان در سوریه، فینیقیه و یهودیه را گرفت، احتمالاً از آن سو، قصد حمله به مصر داشته است. پس از این و با نبردهای دیگر بود که سراسر روم شرقی به تبعیت اشکانیان درآمد، در این زمان مصر تنها به‌ظاهر، استقلال داشت. این دسترسی‌ها به مناطقی چون سوریه بارها تکرار و باز از جانب روم دفع می‌شد اما گزارشی از دستیابی به مصر در دست نیست (ولسکی ۱۳۸۲: ۱۵۵؛ نیز نک. بیوار ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۵۰ و ۱۸۷-۱۹۴). با این حال، بخشی از تجارت بین مصر و شرق احتمالاً از طریق مسیرهای زمینی نواحی تحت سیطره‌ی اشکانی و نواحی تحت اداره‌ی پالمیریان و نبتی‌ها انجام شده است.

۲-۳- ساسانیان و مصر

یکی دیگر از این ادوار تسلط، در زمان ساسانیان، دوره خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ میلادی) بوده است که بیش از یک دهه، زیر امر فرماندهی ایرانی و با بیرون راندن رومیان صورت گرفت. از این دوره، اسناد بسیار ارزشمندی به زبان‌ها و خط‌های مختلف به جا مانده که بیشترشان را پاپیروس‌های^{۲*} بر جا مانده از ایرانیان در مصر، به عنوان منبعی موثق برای اشاره به وقایعی مرتبط با رویدادهای این دوره تشکیل می‌دهد. بیشتر این پاپیروس‌ها در فیوم مصر یافت شده‌اند. این نوشته‌ها متضمن مطالبی متفاوت چون نامه‌های اداری و بعضی شخصی هستند که هم به مسایل تاریخی ره می‌نمایند و هم مسایلی در خور مطالعه از ادبیات زمان ساسانی در بر دارند و از این روی، منبعی مهم برای زبان‌شناسی فارسی میانه ساسانی و شناخت صرف و نحو این زبان در قرن هفتم میلادی به شمار می‌آیند. دیگر منابع، به زبان‌های یونانی و قبطی هستند. بعضی محققان، نوشتن اسناد فارسی میانه را تنها بر عهده‌ی صنف خاصی

که در رأس آنها دبیران بودند، می‌دانستند. دبیران نه تنها در دوره‌ی ساسانی که از دیرباز به ویژه در دوران هخامنشیان طبقه‌ای مهم از اصناف و مشاغل را تشکیل می‌دادند که آموزش‌های خاصی دریافت داشته و در خدمت دربار، مشاغلی مرتبط را بر عهده داشتند. کاملاً روشن نیست که آیا این دبیرانی بودند که در ارتش خدمت می‌کردند یا خود نظامیان بسیاری از این پاپيروس‌ها را می‌نگاشتند. وبر می‌گوید که به احتمال بسیار نوشتن نامه‌ها تنها محدود به دبیران بوده و این کار در میان همگان رایج نبوده است. برای دستیابی به دیدی بهتر، در اینجا اندکی به کار این دسته از مشاغل اشاره می‌شود.

۲-۴-دبیران

۲-۴-۱- دبیران در میان‌رودان

در میان‌رودان دبیران همانند دیگر صنعتگران تعلیم می‌دیدند. آنها پس از تکمیل آموزش خود و سزاوار شدن به این که خود را دویسر (dub-sar؛ در زبان سومری dub به معنی لوح است) به معنی «دبیر»^{۳*} بخوانند، اعضای یک طبقه‌ی ممتاز شمرده می‌شدند. دویسر ماهر و تعلیم دیده در حرفه‌ی نوشتن تحت حمایت نیدب، الاهی سومری محصول و بعدها نوشتار و محاسبات بود. انواع متن‌ها انجامه‌ی خاص خود را داشتند. تصویری که از این شغل ارایه می‌شود، بر اساس شواهد موجود در بابل است. با توجه به بقایای باستان‌شناسی، فضا و سلسله مراتب تعلیم دادن دبیران از آغاز دوره‌شان تا حدی قابل بازسازی است. بخش‌هایی مربوط به امور دیوانی و غالباً به زبان سومری و مربوط به هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در نسخه‌ی الواح بابل وجود دارند. نسخ رسمی در بایگانی یا کتابخانه‌های آن زمان محافظت می‌شدند. تصاویری هم از دبیران آشور بر جای مانده است. گویا در همین زمان، پاپيروس برای نگارش به خط آرامی استفاده می‌شده است. آگاهی ما درباره‌ی دبیران، بیشتر، از انجامه‌های^۷ الواح است. این اصطلاح برای توصیف اطلاعاتی که دبیران در انتهای الواح می‌نوشتند، مرتباً توسط آشورشناسان به کار رفته است. سه جزء معمول در انجامه‌های الواح میخی وجود دارد: نام دبیر، تاریخ و نام شهری که لوح در آن نوشته شده است؛ گویا که همه‌ی این الواح هم انجامه نداشته‌اند. دبیران از حدود سال ۲۶۰۰ پیش از میلاد نام خود را بر الواح می‌نوشتند. در دوره‌ی متأخرتر از این دست کتیبه‌ها، دبیران نه تنها نام خود و نام پدر خود بلکه همچنین نام نیای خود را هم می‌نوشتند؛ بدین وسیله، خاندان دبیر را می‌توان شناخت. گاه کتیبه‌ای بیش از یک دبیر و نویسنده داشت. در این کار که تاریخ نوشتن آثار مکتوب اهمیت دارد، به تاریخ‌گذاری کتیبه‌ها هم اشاره می‌شود تا مگر در صورت مشابهت با پاپيروس‌ها بتوان به شناختی بهتر از شیوه و یا سنت تاریخ‌گذاری نوشته‌های رسمی به‌جامانده دست

^{۱۷} - انجامه، اشاره به نوشته‌ای دارد که سابقاً در پایان کتاب قرار می‌گرفت و حاوی عنوان، نام ناشر، تاریخ، محل چاپ و غیره بود؛ امروزه کتاب‌ها به جای انجامه، صفحات عنوان و شناسنامه دارند.

یافت. در سنت آشوری، تاریخ نگارش هر لوح بر آن نقر می‌شده است. تاریخ‌ها معمولاً ترتیب ماه، روز، سال را دارند. سال ممکن است به چند طریق نشان داده شود. در سومر و سرزمین بابل قدیم، سال از روی رخدادی دارای اهمیت که یا در آن سال یا در سال قبل اتفاق افتاده بود، نامگذاری می‌شد. دبیران بایستی فهرست‌های درازی از این-گونه نام‌ها را برای به یاد آوردن ترتیب اسناد نگهداری می‌کردند. بایگانی‌ها هم تاریخ و مأمور عمومی برای خود داشتند و فهرست این مأموران نیز ثبت می‌شد. در دوره‌ی کاسی‌ها، شیوه‌ی ارجاع به سال‌های سلطنت آغاز شد و این شیوه تا سده‌ی چهارم پیش از میلاد در سرزمین بابل متداول گشت. در سال ۳۰۵ پیش از میلاد شیوه‌ی ثبت سال‌ها به ترتیب از سال نخست سلوکی (شاید ۳۱۱ پیش از میلاد) ابداع شد (واکر ۱۳۸۶: ۴۹-۵۷).

۲-۴-۲- دبیران ایرانی

سنت دبیری و تاریخ‌گذاری فوق‌الذکر به همراه واژه‌ی آن که متناسب با زبان ایرانی گردیده بود از میان‌رودان وارد ایران شد. داریوش از این واژه در کتیبه‌ی خود، به معنی «نگاشته» استفاده کرده است. اشکانیان هم از شیوه‌ی تاریخ‌گذاری اخیر تبعیت کردند، اما بعدها ساسانیان به شیوه‌ی هخامنشیان، یعنی محاسبه‌ی سال‌ها با مبدأ به تخت نشستن هر شاه بازگشتند. در فارسی باستان، واژه‌ی (-dipi-vara*)^۱ و واژه‌ای است که بخش نخست آن از dipi- به معنی لوح است. این واژه به معنی نوشته در کتیبه‌ی بیستون داریوش به کار رفته است (نک. کنت ۱۹۵۳: ۱۹۱).

بر اساس نامه‌ی تنسر دبیران به چهار دسته تقسیم می‌شدند که عهده‌دار امور مکاتبات شاهی، ثبت فرمان‌ها، حکم‌ها، سخنان، نظرات و تمام گفته‌های شاه و درباریان او و نیز ترجمه‌ی نامه‌هایی که به زبان‌های دیگر از سوی شاهان ممالک دیگر فرستاده می‌شد و همچنین مسؤول ثبت وقایع و اتفاقات روزمره بودند و در بخش‌های مختلف دیوان مشغول به خدمت می‌شدند یا مشغول نوشتن، دسته‌بندی و نسخه‌برداری از کتاب‌ها می‌شدند. در کتیبه‌های شاهان نخستین ساسانی نام برخی دبیران در کتیبه‌ها قید شده است؛ نام‌هایی نظیر اشتاد، دبیر ری و از خاندان مهران که نامش در سنگ‌نوشته‌ی شاپور یکم در کعبه‌ی زردشت (۲۴۱-۲۷۲ میلادی) آمده است. در دورااورپوس نام دبیرانی که همراه سپاه و جزو بازدیدکنندگان این منطقه بوده‌اند، در کتیبه‌های به زبان پهلوی اشکانی و فارسی میانه-ی ساسانی ذکر شده است، مانند یزدان فروبای، یزدان‌پیس و افسای دبیر از حران، دبیر شاپور یکم. دبیر سنگ‌نوشته-ی شاپورسکانشاه، برادر شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) در تخت جمشید، که به نظر می‌رسد از طبقه‌ی آزادان است، خود را چنین معرفی می‌کند:

nrsh Y d[p][ywr?]......[W] 'p'lyk p'ls'z't W sk'z't/ Narsē ī dibīr ud abārīg Parsāzād ud Sakāzād

« نرسه دبیر و دیگر آزادان پارس و سکاآزادان (= آزادان سیستان)» (تفضلی ۲۰۰۰: ۲۰-۲۱).

اپسای حران، کتیبه‌ای دارد که در آن اعلام می‌کند که پیکره‌ای از شاه یادشده ساخته که به خاطر آن از شاه پادشاه خوبی دریافت کرده است. احتمال دارد مقام او بیش از دبیری بوده و حاکمی بوده باشد (نصراله‌زاده ۱۳۸۴: ۷۵). یکی از دبیران خسرو به نام بابک پسر بهروان، سمت وزارت جنگ را دریافت کرد و قدرت و اعتبار فراوانی یافت. آنها از پرداخت مالیات سرانه معاف و از مزایای ویژه‌ای برخوردار بودند. دبیران مجاز بودند که در انتهای کتیبه‌ها نام خود را بیفزایند. برای مثال، دبیر شاپور در کعبه زردشت هرمزد پسر شیلگ یا شیرگ و دبیر کتیبه‌ی کرتیر در نقش رستم، بختگ بود. برخی از دبیران صاحب مهر بوده‌اند. دبیران در دوره‌ی ساسانی نقش مهمی در جریان‌های سیاسی داشتند، برای مثال در هنگام درگذشت یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۱)، بزرگان بر آن شدند که نگذارند هیچ یک از فرزندان وی بر تخت بنشینند تا فرد مورد نظر آنها به قدرت برسد. در میان این افراد سه تن از دبیران با نام‌های گودرز، دبیر ارتش، گشنسب آذر، دبیر خزانه و جوانی، دبیران مهست که برای بازداشتن امیر محلی عرب به نام منذر از حمایت بهرام، رهسپار آن دیار شده بود، حضور داشتند. اما جوانی با بهرام توافق کرد و بعداً نام او و گشنسب آذر در میان دبیران بهرام دیده می‌شود. در هنگام مشکلات پیچیده نیز دبیران طرف مشورت شاه قرار می‌می‌گرفته‌اند. خسرو انوشیروان هنگام تصمیم‌گیری در خصوص مقابله با ترکان با دبیر خود، یزدگرد و اردشیر موبدان موبد مشورت کرد. جانشین شاه، در حضور دبیران مهست و موبدان موبد تعیین می‌شد. هر گاه مسأله‌ای مهم طرح می‌شد که نیاز به دقت و بررسی فراوان داشت، شاه از میان طبقه‌ی دبیران، هم فردی مورد اعتماد را به حضور می‌طلبید. پس از زندانی شدن خسرو دوم در سال ۶۲۸ میلادی، پسر و جانشین او، شیرویه دبیران مهست پدر را به بازجویی وی گماشت. در عین حال، قدرت فزاینده‌ی این گروه، خطراتی برای زندگی آنان به وجود می‌آورد. برای مثال، دادونداد، دبیران مهست اردوان اشکانی، هنگامی که اردشیر به قدرت رسید، اعدام شد. دبیر خسرو انوشیروان نیز به خاطر اعتراض به اصلاحات مالی شاه به مرگ محکوم شد. همین شاه دستور به اعدام هشتاد تن از صاحب منصبان خود به جرم فساد و خرابکاری داد، که از میان آنها پنجاه نفر، دبیر بودند (تفضلی ۱۹۹۳ ب: ۵۳۴-۵۳۵؛ نصراله‌زاده ۱۳۸۴: ۲۱۴؛ نیز نک. گیرشمن ۱۳۸۰: ۳۷۱-۳۷۳).

مردم عادی حق دبیری نداشتند. منصب دبیری و خدمت در دیوان از امتیازات اشراف و بزرگ‌زادگان بود. البته این تنها شرط برای تصدی این مقام نبود، بلکه داشتن معلومات کافی و توان نویسندگی نیز لازم بود. از این روی، کسانی که قصد داشتند به کار دبیری بپردازند، باید نخست آموزش می‌دیدند، نیز کلامی شیوا و خطی خوش می‌داشتند (محمدی ملایری ۱۳۷۴: ۳۲۵). محل تحصیل دبیر، دبیرستان بود. منشیان درباری پس از آزمون‌های گوناگون که توسط رییس این صنف برگزار و اجرا می‌شد برگزیده می‌شدند. پس از گذر از این مرحله، آنان به دربار و نزد شاه بار می‌یافتند. آن دسته که کمتر مستعد بودند به عنوان مأموران عالی‌رتبه (کاردار) انتخاب می‌شدند. خصایص بایسته‌ی آنها شامل بصیرت، عفت و کفایت بود؛ دبیر، بایستی خوش‌نویس (xūb-nibēg)، تندنویس (rag-

(nibēg)، باریک‌بین (bārīk-dānišn)، چیره‌دست (kāmakkār-angušt) و فرزانه‌سخن می‌بود (و بر ۲۰۰۷: ۲۵۷-۲۶۲؛ شکی ۱۹۹۵: ۴۵۸) و کارهایی بدو محول می‌شد که در آنها توانمند بود. آنها بایستی زبان شاه و مفسر وی می‌بودند و مراوده‌ی آنها با افرادی که شاه قدغن کرده بود، ممنوع بود. دبیری خود شامل چند فعالیت بود از قبیل نامه‌نویسی اداری، حسابداری، ضبط احکام، ثبت نام، ثبت قرارداد و تاریخ‌نگاری. در ردیف دبیران، همچنین مشاغل افرادی مثل اخترشناسان، ریاضی‌دانان، طالع‌بینان، شاعران و نویسندگان قرار داشت. برخی آنها را از طبقه‌ی روحانی-ها می‌دانند که در فقه زردشتی تبحر داشتند و برخی آنها را از آزادان می‌دانند. درباره‌ی طبقه و زیرمجموعه‌ی این رسته در آثار فارسی میانه مثل نامه‌ی تنسر هم مطالبی ذکر شده است (دریایی ۱۳۸۷: ۱۰۶ و ۱۰۹-۱۱۰؛ نیز نک. پیگولفساکایا ۱۳۹۱: ۱۴۳). احتمال دارد که دبیران نیز مانند پیشه‌وران دیگر به یک صنف تعلق داشتند، آنها اصولاً افرادی بودند که مشاغل گوناگون دستگاه اداری را در اختیار داشتند و همچنین کسانی بودند که به کار فکری اشتغال داشتند (تفضلی ۱۹۹۳ الف: ۲۸۹-۲۹۰).

عنوان رسمی مکاتبات فرورده دبیر (frawardag/ nāmag dibīr) و نام خطی که با آن این نامه‌ها را می‌نوشتند، فرورده دبیری (frawardag/ nāmag dibīrīh) بود (جعفری ۱۳۹۱: ۹). اگر شاه در حین بیان نکته‌ای را از قلم می‌انداخت، دبیر بایستی به سرعت متوجه می‌شد و گفته را به نحوی روان، کامل و خوشایند ثبت می‌کرد. او بایستی به علوم مختلف آگاهی می‌داشت. به نوشته‌ی طبری دبیران دوزبانه و نیز دبیرانی که در جنگ‌ها بودند و فرماندهی کل بایستی با وی مشورت می‌کرد. برخی دبیران هم مکاتبات سری را انجام می‌دادند و احتمالاً عنوان (-rāz)* (dibīr): «راز دبیر» داشته‌اند. برای مثال، خسرو دوم، بعد از کشتن بندویه، به دبیر راز خود دستور داد تا به همین بهانه نامه‌ای به برادر وی بنویسد و او را برای مشورت در این باره احضار کند. این سمت تا دوره‌ی عباسی هم باقی ماند. از خدمت منشی و مترجمی هندی در دربار خسرو دوم اطلاع هست. یک نفر دبیر امور عرب نیز در دربار وی بود که سمت مترجمی داشت و مزد و حقوق او را اعراب با کالا می‌پرداختند. پدر این شخص نیز در دربار هرمزد چهارم خدمت کرده بود. دبیران گاهی هم موظف بودند شرح ماوقع را به عرض شاه برسانند و یا به عنوان جاسوس وی عمل کنند. برای نمونه، هنگامی که بهرام چوبین علیه هرمزد توطئه کرد، یزدک دبیر به همراه یکی از مقامات وی، شبانه گریخت و به هرمزد اطلاع داد.

محاسبان یا دبیران مالی (šahr-(h)ā/āmār-dibīr) وظیفه‌ی انجام امور مالی را بر عهده داشت. در دوره‌ی خسرو انوشیروان، این دسته مسئول ارزیابی بهای زمین و بنیان نظام نو مالیاتی بودند. دبیران دولتی شامل ۱- داد دبیر، یا مسئول ثبت تصمیمات قضایی ۲- شهر آمار دبیر ۳- کدک یا آمار دبیر، محاسبان دولتی ۴^۸- گنج آمار دبیر یا دبیران مسئول خزانه ۵^۹- آخور آمار ۶- آتش آمار دبیر یا مسئول امور آتشکده-

¹⁸ - *kadag-(h)amār-dibīr

¹⁹ - *ganj-(h)amār-dibīr

ها یا عبادتگاه‌ها ۷- روانگان دبیر یا دبیر بنیادها یا امور خیریه و دبیربد که رییس طبقه بود، می‌شدند. او، رد و موبد با هم همکاری داشته و نظاره‌گر عملکرد هم بودند (تفضلی ۲۰۰۰: ۳۲؛ جعفری ۱۳۹۱: ۲۱۵).

دبیران امور قضایی نیز مسؤول ثبت تصمیمات قضایی و احکام و تنظیم صورت‌جلسه در دادگاه‌های تحقیق بودند و احتمالاً عنوان داد دبیر (dād-dibīr) داشته‌اند (وبر ۲۰۰۷: ۲۵۷-۲۶۲؛ محمدی ملایری ۱۳۸۲: ۲۱۹). خودای بود نامی، با سمت دبیری که به عنوان مفسر قضایی از او در متنی یاد شده، احتمالاً همین شغل را داشته است. وقایع‌نگاران مسؤول ثبت وقایع روزانه بوده‌اند. یکی از آنها را که دبیر شاپور دوم، به نام خوره‌بود، رومی‌ها دستگیر کردند. او در دربار رومیان، یونانی آموخت و کتابی درباره‌ی اعمال شاپور و جولیان نوشت و نیز کتابی را از فارسی میانه به یونانی برگرداند. سرجیوس، یکی از مترجمان خسرو انوشیروان هم بایگانی‌های دربار را خلاصه کرد و به یونانی برگرداند که این خود منبعی برای ارجاعات آگائئاس شد. هر مزد چهارم نیز بعد از دربند شدن، تقاضا کرد تا دبیری نزد او برود و داستان‌هایی را از شاهان قدیم برایش بخواند. این افراد در مجالس مشورتی شاه نیز حضور داشتند و فرمان شفاهی شاهنشاه درباره‌ی هر موضوعی در حضور او توسط منشی سلطنتی یا رییس دبیران نوشته می‌شد. در همان هنگام، خادم شاهنشاه که مقام او معادل منشی مخصوص بود، آن فرمان را در دفتر ثبت مخصوصی می‌نوشت. این دفاتر به صورت ماهانه تنظیم و توسط شاهنشاه شخصاً مهر و دست آخر به بایگانی سپرده می‌شد. نوشته‌ای که توسط منشی سلطنتی تنظیم شده بود، به رییس دربار ارسال می‌شد. او در عین حال مهرداد نیز بود و وظیفه‌ی مهر کردن اسناد را داشت. او هم آن را به رییس امور یا رییس دبیرخانه ارجاع می‌داد. وی نیز بر اساس آن نوشته، سندی رسمی از طرف شاه تنظیم می‌کرد و این سند به طور دقیق و با جزییات تنظیم می‌شد و سپس دوباره به رییس دربار بازگشت داده می‌شد تا برای تأیید به حضور شاهنشاه برود. در عین حال، محتوای سند با آنچه در دفتر ثبت مخصوص توسط خادم ثبت شده بود، تطبیق داده می‌شد. سپس سند در حضور شاه یا یکی از اشخاص مورد وثوق او مهرزده می‌شد. از این اطلاعات، چنین برمی‌آید که دبیرخانه‌ای بزرگ و بایگانی‌ای مخصوص اسناد وجود داشته است تا صحت قوانین و فرمان‌های صادرشده بررسی شود. سرانجام، سندی که تمامی مراحل را طی کرده بود، از دبیرخانه‌ی شاهی خارج می‌شد، با مهر تثبیت و به سند قانونی تبدیل می‌شد (پیگولفسکایا ۱۳۹۱: ۱۴۵ - ۱۴۷). برای ثبت برخی اتفاقات چون ازدواج در کنار دبیر، ردان، موبدان و شهودی هم حضور داشتند. شاید تنها افراد باسوادی که در امر نگارش و ضبط مسایل رسمی فعال بودند، روحانیان و دبیران بودند مواقعی هم بود که اسناد را موبدان یا ردها مهر می‌کردند. احتمالاً آن دسته از دبیران که بایستی جایگاه هر

20 - āxūrpād

21 - در دوران هخامنشی، دبیران رسمی کلیه‌ی کارهای مربوط به این ثبت‌ها را نظارت و بررسی و سپس در بایگانی (ham-paččēn) ذخیره می‌کردند.